

سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم - 6 اردیبهشت / 1399

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی تشکر میکنیم از برادران عزیزی که این برنامه را ترتیب دادند و تنظیم کردند و ما را امروز محظوظ کردند از تلاوت آیات کریمه‌ی قرآن؛ و صمیمانه تشکر میکنم از همه‌ی قراء محترمی که امروز تلاوت کردند؛ حقیقتاً لذت بردیم، استفاده کردیم، بهره‌مند شدیم از این تلاوتها، و همچنین از مجری محترم که جلسه را بخوبی اداره کردند.

اولاً حلول ماه مبارک رمضان را تبریک عرض میکنیم به همه‌ی کسانی که این سخن را می‌شنوند و همه‌ی برادران مسلمان در سرتاسر جهان؛ و امیدواریم که خداوند به ما توفیق بدهد که بتوانیم حقّ این ماه را ادا کنیم. ماه، ماه قرآن است؛ که در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن هم وقتی که نام ماه رمضان آورده شده، ذکر میشود «الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ» (۲). این یک خصوصیت بسیار مهمّ این ماه عزیز و شریف است.

بنده مطالبی را یادداشت کرده‌ام، برای اینکه درباره‌ی قرآن عرض بکنم، منتها وقت نیست، وقت خیلی کم است؛ مختصری را عرض میکنیم. ما درباره‌ی قرآن بارها گفته‌ایم، بارها شنیده‌ایم که قرآن کتاب زندگی است. واقع قضیه هم همین است: قرآن کتاب زندگی است. اگر آحاد بشر قواعد زندگی را با قرآن تطبیق بکنند، سعادت دنیا و آخرت نصیب آنها خواهد شد. مشکل ما این است که این کار را نمیکنیم؛ مشکل ما این است که ما زندگی را با قواعد قرآن تطبیق نمیکنیم؛ مثل کسی که به پزشک مراجعه میکند و نسخه‌ی پزشک را میگیرد لکن به آن نسخه عمل نمیکند. این مراجعه‌ی به پزشک بدون عمل کردن به نسخه اثری نخواهد داشت؛ امروز وضع ما این جور است.

قرآن، هم کتاب علم و معرفت است یعنی دل را و اندیشه‌ی انسانی را سیراب میکند - قرآن برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند یک سرچشمه‌ی تمام‌نشده‌ی است - لکن علاوه‌ی بر اینها قرآن دستور زندگی هم هست؛ قرآن علاوه‌ی بر جنبه‌ی معرفتی و معرفت‌آموزی دستورات کاربردی دارد برای زندگی؛ یعنی محیط زندگی را آباد میکند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار میکند. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبّل السلام (۳). راه‌های سلامت را، راه‌های امنیت را، راه‌های آسایش در زندگی را به انسانها نشان میدهد. انسانها در طول تاریخ دست‌به‌گریبان ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و لگدمال شدن ارزشها بوده‌اند، امروز هم هستند؛ راه علاج اینها قرآن است. اگر به قرآن عمل کنیم همه‌ی این مشکلات برطرف میشود. یعنی جوامع بشری اگر به دستورات کاربردی قرآن - که من حالا تعداد کوتاهی و مختصری [از آنها را]، به قدری که وقت هست عرض خواهم کرد - عمل بکنند، بدون تردید از همه‌ی این مشکلات نجات پیدا خواهند کرد. در همین ظاهر قرآن هزاران دستور زندگی وجود دارد. امیرالمؤمنین فرمود: *إنّ القرآن ظاهره اُنیق و باطنه عمیق*؛ (۴) انیق یعنی شگفت‌انگیز و زیبا. ظاهر قرآن شگفت‌انگیز و زیبا است؛ برای کسانی که اهل نگاه زیباشناسانه هستند، قرآن بی‌نظیر است در زیبایی و شگفت‌انگیزی؛ اما باطن او عمیق است.

این چیزهایی که من عرض میکنم که در قرآن وجود دارد و درس زندگی است، مال همین ظاهر قرآن است؛ مال همین چیزی است که بنده و امثال بنده از قرآن میفهمیم؛ و الا آن چیزی که کمّالین (۵) توحیدی از قرآن میفهمند، راسخین در علم میفهمند، اولیای الهی میفهمند که بواطن قرآن و بحر عمیق قرآن است، قرآن از این حرفها خیلی بالاتر است؛ آنچه من عرض میکنم - این هزاران دستور زندگی - همین چیزهایی است که از ظاهر قرآن استفاده

میشود. خب حالا این چیزهایی که کاربردی است: بعضی از اینها مربوط به تنظیم قواعد زندگی است؛ مثلاً فرض بفرمایید «فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلَقٍ»؛ (۶) بعضی هستند که همه‌ی قواعد زندگی انسانی را، دوستی‌ها را، دشمنی‌ها را، رابطه‌ها را، هدفها را، انگیزه‌ها را در کار دنیا محصور میکنند؛ دنیا یعنی چه؟ یعنی پول، یعنی قدرت، یعنی شهوت؛ مراد از دنیا در اینجا اینها است. دوستی‌شان به خاطر اینها است، دشمنی‌شان به خاطر اینها است، رابطه‌گیری‌شان به خاطر اینها است، تلاش‌شان به خاطر اینها است، هدف‌هایشان به خاطر اینها است؛ این را خدای متعال رد میکند. این جور قاعده‌ی زندگی ساختن را خدای متعال رد میکند؛ و ما له فی الآخرة من خلاق. اینها در زندگی دنیوی به چیزهایی خواهند رسید-در این زندگی موقت کوتاه- اما در زندگی اصلی و واقعی و اخروی که زندگی انسان در آنجا است چیزی ندارند، بی‌نصیبند، بی‌بهره‌اند.

اما در مقابلش یک قاعده‌سازی دیگری برای زندگی وجود دارد: وَ مِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (۷) این قاعده‌سازی دوّم است. یعنی کسانی که در دنیا هم دنبال حسنه هستند نه دنبال هر چیزی؛ در «آتِنَا فِي الدُّنْيَا» نمیگوید چه به ما بده؛ معلوم است که دنیا میخواهد اما این «آتِنَا الدُّنْيَا حَسَنَةً»؛ چیزهای نیکو را در دنیا به ما بدهد؛ چیزهایی که با فطرت انسان منطبق است، با نیازهای واقعی انسان منطبق است؛ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً؛ دنبال آخرت هم هستند؛ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (۸) آن وقت کسانی هستند که خدای متعال اینها را به مقاصد حقیقی زندگی میرساند. یک دسته آیات از این قبیل است که قواعد زندگی را مشخص میکند. یا مثلاً فرض کنید در آیه‌ی مربوط به عقلای بنی‌اسرائیل که یک عده‌ای از آنها به قارون توصیه میکردند، میگفتند: وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ تَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ (۹) به قارون نمیگفتند که هر چه را داری یا نداری دور بریز؛ میگفتند آنچه را داری وسیله قرار بده. پول و ثروت دنیا وسیله است، وسیله‌ی رسیدن به مقامات عالی‌ه‌ی بشری و انسانی است، وسیله‌ی رسیدن به مقامات معنوی است؛ میتواند وسیله باشد. شما میتوانید با پول دنیا را آباد کنید، زندگی‌های انسانها را نجات بدهید، تبعیض را برطرف کنید، فقرا و ضعفا را از حالت فقر و ضعف بیرون بیاورید. وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ؛ اولاً آنچه در اختیار تو است، آتَاكَ اللَّهُ است، خدا به تو داده؛ ثانیاً راهش این است که این را برای خدا مصرف کنی وَ لَا تَنْسَ تَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ اما این جور هم نیست که خود تو هم حظی و سهمی نداشته باشی؛ چرا، تو هم سهمی داری، سهم خودت را هم استفاده کن. وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ ببینید، این قاعده‌ی زندگی‌ای است که اسلام برای ما معین میکند. بر خلاف آنچه خود آن بی‌عقل خیال میکرد؛ آن قارون خرپول بی‌عقل میگفت: إِنَّمَا أوتيتُهُ عَلَى عِلْمٍ؛ (۱۰) من خودم توانستم این را به دست بیاورم، با هنر خودم به دست آوردم؛ در حالی که این جور نیست؛ خدای متعال وسایل را فراهم کرده بود، او توانسته بود به دست بیاورد. بنابراین بعضی از آیات در قرآن این جور است و از این قبیل آیات زیاد داریم که قواعد زندگی را معین میکند.

بعضی از آیات هست که مربوطه به تنظیم مناسبات اجتماعی است؛ این دستورهای کاربردی مربوط است به مناسبات اجتماعی. فرض بفرمایید: وَلَا يَعْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ (۱۱) غیبت نکنید؛ این [دستور]، مناسبات اجتماعی را تنظیم میکند. شما وقتی غیبت میکنید، دل خودتان را چرکین میکنید، دل مخاطبتان را چرکین میکنید، واقعیت پنهان یک برادر مؤمنی، خواهر مؤمنی را هم بیخودی به رخ این و آن میکشید؛ یک کار غلط و نادرست. او هم نسبت به شما ممکن است که همین کار را بکند. این کار، زندگی را، روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج میکند.

یا فرض بفرمایید که میفرماید: لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَنَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلا تَعْدِلُوا؛ (۱۲) اگر با کسی مخالفت کنید، با کسی دشمنی کنید، این موجب نشود که درباره‌ی او بی‌انصافی کنید، درباره‌ی او ظلم و بی‌عدالتی به خرج بدهید. ببینید، این یک دستور کاربردی است. بله، شما ممکن است با کسی مخالف باشید اما [این] موجب نشود که نسبت به او به خاطر مخالفتتان در آنجایی که حق با اوست، آن حق را پنهان بدارید، یا مخفی کنید، یا آن حق را ضایع کنید و بی‌عدالتی و بی‌انصافی

نسبت به او به خرج بدهید. شما ملاحظه کنید در اجتماعات، [اصلاً] در اجتماع خود ما -خیلی جای دوری نرویم- اگر چنانچه ما با کسانی که مخالف هستیم، به همین آیه عمل نکنیم، یعنی درباره‌ی آنها بی‌انصافی نکنیم و آنها هم درباره‌ی ما بی‌انصافی نکنند، ببینید چقدر وضع جامعه، وضع روا و خوبی خواهد شد.

یا مثلاً فرض کنید «لا تقفُ مائیسَ لکَ به علم»؛ (۱۳) عرض کردم شبیه این -این جور آیات در قرآن- هزاران دستور قرآنی هست؛ لا تقفُ مائیسَ لکَ به علم؛ دنبال چیزی که به آن یقین نداری راه نرفت؛ به آن چیزی که یقین نداری اعتماد نکن. الان ژورنال‌یسم رایج دنیا درست عکس این عمل میکنند؛ یعنی آن چیزهایی را که شایعه‌پردازی میکنند، دروغ‌پردازی میکنند، چیزهایی است که از آن اطلاعی هم ندارند، علمی هم ندارند، بیخودی آنها را پخش میکنند. در داخل جامعه‌ی خود ما هم متأسفانه از این چیزها وجود دارد. این نقطه‌ی مقابل رفتاری است که امروز در دنیا هست. اگر چنانچه ما همین یک دستور را عمل نکنیم، بخش مهمی از مشکلات ما حل خواهد شد.

یا «لا ترونوا الی الذین ظلموا»؛ (۱۴) به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید -«رکون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن- به آدم ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین میشود که شما می‌بینید دولتهای مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین و ستمگرترین عناصر عالم اعتماد میکنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده میکنند و می‌بینند.

یا «اقسطوا ان الله یحبُّ المقسطین»؛ (۱۵) عدل به خرج بدهید؛ قسط و عدل و انصاف در همه‌ی امور زندگی را دستور داده‌اند؛ یا «لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا امانتکم»؛ (۱۶) در امانت خیانت نکنید. امانت فقط پولی نیست که شما دست بنده دارید؛ مقامی هم که، مسئولیتی هم که به وسیله‌ی شما به من داده شده امانت است. اگر چنانچه این امانت را درست عمل نکنم، خیانت در امانت است. ببینید شما اگر همین یک دستور را ما عمل نکنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد. بنابراین آنچه قرآن برای ما دارد، عبارت است از این دستورات عملی کاربردی.

یا مثلاً «فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین» (۱۷) که دنباله‌ی آن آیه‌ی «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (۱۸) است، که آمدند گفتند «علیه شما دارند توطئه میکنند، بترسید»، [مسلمانان را] می‌ترساندند. قرآن می‌فرماید که خیر، از آنها نترسید، از من بترسید؛ خدای متعال را عبادت نکنید، اعتماد به خدا نکنید، در مقابل دشمن محکم بایستید و میتوانید دشمن را به عقب برانید. خود این ترساننده‌ی از افراد ظالم که به انسان می‌گوید از این و از آن بترسید، از این قدرتها بترسید و ملاحظه کنید، شیطان است؛ که ما در طول تاریخ هم مشاهده میکنیم کسانی که از این قدرتها ترسیده‌اند، دچار آزمونهای سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امروز قدرتهای اسلامی، دولتهای اسلامی ملاحظه‌ی قدرتهای ظالم دنیا را میکنند، از آنها می‌ترسند و قدرت خودشان را ندیده می‌گیرند؛ نتیجه این میشود که تو سرشان می‌خورد.

امام (رضوان الله علیه) این نترسیدن از قدرت را به همه‌ی ما یاد داد که از قدرتهای ظالم و زورگو نترسید. من فراموش نمیکنم در سال ۵۸، آن وقتی که جوانهای ما این جاسوسهای آمریکایی و جاسوسخانه‌ی آمریکایی را گرفته بودند، بعضی‌ها فشار می‌آوردند به شورای انقلاب که بگویند اینها را آزاد کنند. بنده و مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی و بنی‌صدر، ما سه نفر از شورای انقلاب رفتیم قم؛ آن وقت امام قم بودند؛ رفتیم خدمت امام که از امام بپرسیم که چه کار کنیم. پرسیدیم که آقا این جوری است، فشار می‌آوردند که اینها را هر چه زودتر آزاد کنید؛ امام رو کردند به ما و گفتند که از آمریکا می‌ترسید؟ بنده عرض کردم خیر نمی‌ترسیم، گفتند پس نمیخواهد آزادشان کنید. واقعش هم همین بود؛ یعنی اگر چنانچه کسی قرار بود از آمریکا بترسد و ملاحظه بکند، نتایج بسیار تلخی را آن روز عاید کشور میکرد. ما دیده‌ایم مواردی را که دولتها و قدرتهای کشور خودمان از دشمن می‌ترسیدند و این

ترس، آنها را دچار مشکلات فراوانی کرد. قرآن میگوید: **فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ** ؛ (۱۹) «خافون» یعنی ملاحظه‌ی مقررات من را بکنید ؛ آنجایی که خدای متعال فرموده است مجاهدت کنید، مجاهدت کنید ؛ آنجایی که فرموده است دست نگه دارید، دست نگه دارید ؛ معنای این «خافون» این است.

و همچنین «**اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**» (۲۰) ؛ حالا به مناسبت ماه رمضان این را هم توجه بکنیم به «**وَ اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**» ؛ این یکی از دستورات کاربردی است. نماز برای ذکر است، برای یاد است ؛ نماز را برای ذکر خدا محفوظ بدارید. امروز ما اگر چنانچه این را در مورد خودمان عمل بکنیم که این را همه‌ی ما میتوانیم عمل بکنیم ؛ نماز را باتوجه بخوانیم و در نماز دلمان را به جای دیگری نسپریم و نماز را برای ذکر خدای متعال بخوانیم، این یقیناً تأثیرات فراوانی در اعتلای روحی ما خواهد داشت ؛ همچنین «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً صَوْحًا**» (۲۱) که این روزها، روزهای توبه است، روزهای استغفار است، روزهای رجوع به پروردگار است. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به همه‌ی آحاد ملت ما و به همه‌ی آحاد مسلمان توفیق بدهد که بتوانند وظایف ماه رمضان را، وظایف اسلامی را انجام بدهند. به قرآن عمل بکنیم ؛ این دستورات قرآنی، همه‌ی این هزاران دستور کاربردی قرآنی، عملیاتی است یعنی قابل عمل شدن است ؛ البته دولتها مسئولیت بیشتری دارند، قدرتهای مسلط بر کشور و مدیران جامعه مسئولیت بیشتری دارند.

ظاهراً دیگر وقت ما تمام شد ؛ گمان میکنم باید حالا اذان باشد ؛ لذاست که دیگر عرایض را خاتمه میدهیم. خیلی خوشحالم ؛ امروز بسیار جلسه‌ی خوبی بود و مجدداً از همه‌ی کسانی که دست‌اندرکار بودند تشکر میکنم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این مراسم – که به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد – تعدادی از قراء قرآن، آیاتی از قرآن کریم را تلاوت کردند.

۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۸۵ ؛ «... که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است ...»

۳) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۱۶ ؛ «خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله‌ی آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون میشود ...»

۴) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۸

۵) کاملان، بویژه انسانهای وارسته

۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۰ ؛ «... و از مردم کسی است که میگوید: «پروردگارا! به ما، در همین دنیا عطا کن» و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست.»

۷) سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۱ ؛ «و برخی از آنان می‌گویند: "پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.»

۸) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۱ ؛ «... در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن ، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.»

۹) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷۷ ؛ «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن ...»

۱۰) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷۸

۱۱) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۲

۱۲) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸

۱۳) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۶

۱۴) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۳

۱۵) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۹

۱۶) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۷؛ «... به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید...»

۱۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ «... پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید.»

۱۸) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ «در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند...»

۱۹) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۵؛ «... پس از آنان مترسید و از من بترسید...»

۲۰) سوره‌ی طه، بخشی از آیه‌ی ۱۴؛ «... و به یاد من نماز برپا دار.»

۲۱) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید...»